

آمدَمِ ای شاه پناهَمِ بده

(آمدَمِ ای شاه پناهَمِ بده

خَطِّ امانی ز گناهَمِ بده

شاه پناهَمِ بده) ۲

(شاه پناهَمِ بده، خسته‌ی راه آمدَمِ

آه نِگاهَمِ مَکن، غرقِ گناه آمدَمِ) ۲

(آمدَمِ ای شاه پناهَمِ بده

خَطِّ امانی ز گناهَمِ بده

شاه پناهَمِ بده) ۲

دامنِ آلوده و روی سیاه آورده‌ام

گرچه آهی در بساطم نیست، آه آورده‌ام

هر که بودم هر که هستم، بر کسی مربوط نیست

بر امامِ مهربانِ خود پناه آورده‌ام

آمدَمِ ای شاه پناهَمِ بده

خَطِّ امانی ز گناهَمِ بده

شاه پناهَمِ بده